



دوشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۲



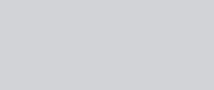
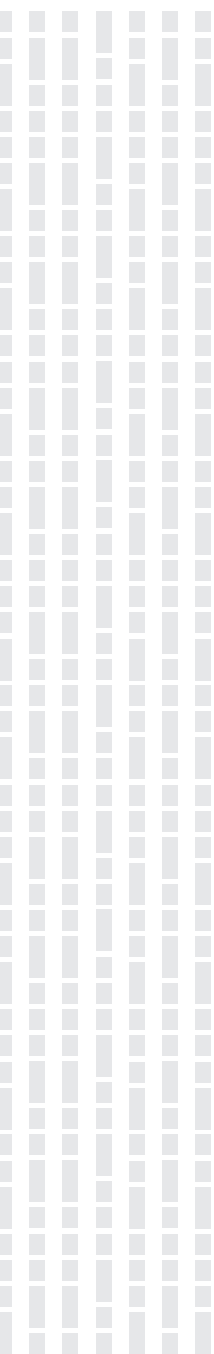
شماره ۳۹۸۲



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY



اسرائیل یا پشت دیوار غزه می‌ماند یا دست به یک عملیات نمایشی و حداقلی می‌زند یا تلفات شدید می‌دهد

شکست، شکست بزرگ، بزرگ‌ترین شکست



سیدمهدی طالبی خبرنگار گروه جهان‌شهر

در اوایل صبح روز ۱۳ اکتبر، ارتش رژیم صهیونیستی به ۱٫۲ میلیون فلسطینی شمال غزه هشدار داد که باید ظرف ۲۴ ساعت قبل از تهاجم زمینی احتمالی تخلیه شوند. انتشار این خبر نشان می‌داد که رژیم، هدفی جز تسلط بر غزه و پایان دادن به مقاومت در این منطقه ندارد. محافل غربی هوادار رژیم صهیونیستی، این اقدام را به نوعی «خودکشی» رژیم تلقی کردند و از همین رو نیز فارین پالیسی در گزارشی از آمریکا خواست که «اسرائیل را از دست خودش نجات دهد.» از نگاه نویسنده این گزارش، تهاجم قریب‌الوقوع به غزه یک «فاجعه انسانی، اخلاقی و استراتژیک» به دنبال خواهد داشت و نه تنها به‌شدت به امنیت بلندمدت اسرائیل آسیب می‌رساند و هزینه‌های انسانی غیرقابل‌تصورى را بر فلسطینی‌ها تحمیل می‌کند، بلکه منافع اصلی ایالات متحده در خاورمیانه، اوکراین و در رقابت واشنگتن با چین بر سر نظم هند و اقیانوس آرام را نیز تهدید می‌کند. حمله شنبه ۷ اکتبر مجموعه مفروضاتی را که وضعیت موجود بین اسرائیل و غزه در حدود دو دهه تعریف کرده بود، به صورت کامل تغییر داد. عملیات به حدی غافلگیرانه بود که نظامیان صهیونیست حتی فرصت آن را پیدا نکردند که شلوارشان را بپوشند. به‌طور حتم افشای پیچیدگی‌های این عملیات، سال‌ها زمان خواهد برد اما مشخص است که مقاومت پیش‌بینی‌های لازم برای پاسخ طرف مقابل را هم کرده باشد. همچون عملیات، فعلا به جز معدودی از فرماندهان نمی‌دانند آیا غافلگیری دیگری در راه است یا خیر. مقاومت فلسطین مطمئنا پیش‌بینی حملات گسترده هوایی و پس از آن حمله زمینی را می‌کرده و از همین رو برای یک جنگ شهری طولانی مدت علیه نیروهای در حال پیشروی اسرائیل آماده است. به‌طور حتم ورود به غزه برای ارتشی که سال‌هاست در چنین جنگی شرکت نکرده، سخت و پرتلفات خواهد بود. به‌طور حتم میزان موفقیت رژیم در جنگ، با میزان جنایتی که به اجرا خواهد گذاشت، نسبت مستقیمی خواهد داشت و همین نیز واکنش جهانی را به دنبال خواهد داشت. ضربه سخت و غافلگیرکننده مقاومت، سازمان رزم ارتش رژیم را فلج کرد و از همین رو، بازپس‌گیری اراضی تصرف‌شده توسط مقاومت، حداقل دو روز زمان برد. شاید روی کاغذ حماس نتواند ارتش رژیم را نابود کند اما نشان داد که اسرائیل آسیب‌ناپذیر نیست و نمی‌تواند خواست فلسطینی‌ها برای تعیین سرنوشت را نادیده بگیرد. پیچیدگی‌های جنگ را می‌توان در تیتز مقاله استفان ام. والت، ستون‌نویس فارین پالیسی و راپرت و رنه بلفر، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد دریافت: «اسرائیل می‌تواند در نبرد غزه پیروز شود و جنگ را بیازد.» تا لحظه نگارش این گزارش، دو روز از ۱۳ اکتبر گذشته است و فعلا خبری از تهاجم زمینی به غزه در رسانه‌ها مخابره نشده است. هرچند به‌طور حتم رژیم نمی‌تواند با ورود زمینی به غزه، مقاومت را از بین ببرد، اما احتمال این وجود دارد که برای حفظ آبرو، یک ورود سطحی به غزه داشته باشد.

■ ■ ■

■ «تله کویت» یا «بلای غزه»

مشهور است آمریکا در واکنش به ابراز تمایل رژیم بعث عراق برای حمله به کویت، به بغداد القا کرده بود در یک درگیری منطقه‌ای دخالت نمی‌کند. با این حال این مساله فریب بود، زیرا واشنگتن که برای جنگ عراق با ایران، رژیم صدام را به پنجمین ارتش بزرگ جهان تبدیل کرده بود، پس از پایان جنگ قصد داشت توان آن را نابود کند زیرا بیم آن را داشت صدام از این توانمندی علیه منافع آمریکا بهره‌گیرد.

آمریکا می‌دانست نابودی این امکانات در صدها پادگان و هزاران هدف پراکنده دشوار است. راهکار، حیلۀ‌ای بود که این توانایی‌ها را در نقطه جغرافیایی محدودی بدون حفاظت متجمع سازد. ارتش صدام با اشغال کویت ضمن ایجاد بهانه موجه برای حمله آمریکا به خود، باعث ایجاد شور و نشاط جهانی برای مقابله با خود شده و نیروهایش را نیز در کویت و مرزهای خود با این کشور متمرکز ساخت. آمریکایی‌ها به‌سرعت این ارتش را بمباران کرده و ضمن نابودی امکانات آن ۵۰ هزار سرباز عراقی را کشتند.

چنین بلایی درصورت تلاش رژیم برای حمله به غزه در انتظار صهیونیست‌هاست. آنها برای حمله به غزه نیروهای خود را از پایگاه‌های متعدد، پراکنده و حفاظت‌شده خارج کرده و در نقاط مشخصی پیرامون غزه بدون استحکامات و حفاظت هوایی مناسب مستقر ساخته‌اند. برخلاف گروه‌های شبه‌نظامی مانند گروه‌های مقاومت ازجمله حماس، جهاد اسلامی و مقاومت لبنان، صهیونیست‌ها به شکل ارتشی و با ویژگی‌های آن می‌جنگند که مستلزم نقاط تجمع گسترده نیروهاست. رژیم تاکنون نیروهای خود را پیرامون غزه متمرکز ساخته اما تنها گام تا حمله به این نیروها

در چنین نقطه‌ای، کلید توجیهی آن است که در «قتل عام مردم غزه» نهفته است. اگر صهیونیست‌ها به غزه ورود زمینی کرده و یا حتی در کشتار از طریق بمباران بیش از این پیش بروند، آنگاه پهبادهای مقاومت نیروهای رها شده صهیونیست در بیابان‌های پیرامون غزه را هدف قرار خواهند داد. حملاتی که اگر فراگیر و از چندین جبهه باشند، ضمن آنکه خود تلفاتی از صهیونیست‌ها می‌گیرند، باعث می‌شوند با برهم خوردن سازمان رزم صهیونیست‌ها، نیروهای غزه مجدد با نکی از سمت غزه، علاوه بر وارد آوردن تلفات بیشتر به صهیونیست‌ها، اسرا و غنیمت‌های جنگی بیشتری بگیرند.

صهیونیست‌ها برای پاسخ به چنین حمله‌ای کار دشواری پیش‌رو خواهند داشت، زیرا گروه‌های مقاومت این اقدام را با پرتاب ناشناس پهباد انجام داده و از سوی دیگر پایگاه عیانی روی زمین ندارند تا تل‌آویو مقابلای به آنها حمله کند. یحیی سنوار از رهبران حماس پیش از این از وجود ۷۰ هزار نیروی مسلح در شاخه‌های نظامی این گروه خبر داد. درحالی‌که شاخه نظامی حماس یکی از ۱۲ گروه مقاومتی حاضر در غزه است. نیروهای جهاد اسلامی به‌عنوان دومین گروه شبه‌نظامی بزرگ در غزه، ۱۲ هزار نفر تخمین زده می‌شود. این دو گروه در کنار یکدیگر حداقل ۸۲ هزار نیرو در اختیار دارند که با درنظر گرفتن ۱۰ گروه دیگر می‌توان تعداد مجموع مسلحان در غزه را تا ۱۰۰ هزار نفر برآورد کرد.

در مقابل رژیم بنابر خبرهای مختلف ۱۱۰ تا ۳۰۰ هزار نیروی ذخیره را فراخوانده است که عدد دوم به واقعیت نزدیک‌تر است، زیرا صهیونیست‌ها درحرحال باید علاوه بر غزه، برای جبهه شمال نیز آمادگی خود را افزایش دهند. اگر آمارهای اولیه ۱۱۰ هزار نفر را صرفا منحصر به غزه بدانیم و عدد بعدی ۳۰۰ هزار نفر را با لحاظ کردن جبهه شمال درنظر بگیریم، صهیونیست‌ها قصد دارند با توجه به نیروهایی که هم‌اکنون در اطراف‌های غزه مستقر هستند، ۱۱۰ هزار نفر دیگر را نیز به آنها بپوند بزنند. بیش از صد هزار نیروی صهیونیستی که برای جنگ غزه آماده خواهند شد، به اصطلاح «گوشت دم توپ» پهبادهای انتحاری پرتاب شده از خارج فلسطین بوده و باقی ماندگان نیز در معرض تهاجم ده‌ها هزار مسلح موجود در داخل غزه که انگیزه بالایی دارند، قرار خواهند گرفت.

■ **ادامه جنگ از زاویه عمر سیاسی نتانیاهو**

نتانیاهو پس از حمله روز ۷ اکتبر به شکست خورده‌ترین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی تبدیل شد. غربی‌ها این جنگ غافلگیرانه را با جنگ اکتبر ۱۹۷۳ مقایسه می‌کنند اما «یوآو گلبِر» مoux نظامی اسرائیل با یک مثال ساده، ثابت کرده که اوضاع خراب‌تر از آن چیزی است که تصور می‌شود. او گفته «در جریان جنگ اکتبر ۱۹۷۳، ما را با شلوار دستگیر کردند. این‌بار اما بدون شلوار دستگیر شدیم!» او با این جمله معنادار، خواستار برکناری «رئیس و همه اعضای ستادکل ارتش» و ساخت «ارتش جدید» سخن گفته است. به لحاظ ثبت در تاریخ، حتی اگر نتانیاهو بتواند پیروزی‌های بی‌سابقه‌ای کسب کند، او لقب پیروزترین رهبر رژیم را همزمان با «شکست خورده‌ترین رهبر»، حفظ خواهد کرد؛ تا زمانی که رهبری دیگری فاجعه یا موفقیتی بزرگ‌تر از او بیافریند. صهیونیست‌ها بنابر اعتراف‌شان در همان روز ۷ اکتبر ۱۳۰۰ نفر تلفات داده‌اند. این آمار روزانه از تمامی تلفات صهیونیست‌ها در چهار جنگ با اعراب بیشتر بوده است. روند طولانی برآمده از ۷۵ سال موجودیت رژیم، نشان می‌دهد این نه «جنگ الاقصی» بلکه تلفات «یک روز» جنگ است که نتانیاهو را شکست خورده‌ترین رهبر صهیونیست‌ها کرده است.

تاریخ نشان می‌دهد صهیونیست‌ها بی‌رحمانه با رهبران شکست خورده خود در جنگ برخورد می‌کردند. «گلدمایر» نخست‌وزیر اسبق هرچند درنهایت بر جنگ مشهور به یوم کپور که در سال ۱۲۷۳ رخ داد، فاتح اَما مد به دلیل غافلگیری در آغاز جنگ، یک‌سال بعد با نخست‌وزیری خداحافظی کرد. «مناخیم بگین» نیز علی‌رغم موفقیت در اشغال نیمی از لبنان و رسیدن به بیروت، تنها یک‌سال بعد به دلیل تبعات جنگ و خروج ناگهیر از بخش اعظم مناطق اشغالی، ریاست دولت را از دست داد. آخرین قربانی «بهبود اولمرت»

بود که پیامد شکست در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ با لبنان و تشکیل کمیته موسوم به «وینوگراد» برای بررسی دلایل آن، در سال ۲۰۰۹ به پایان عمر سیاسی‌اش رسید.

شکست نتانیاهو صرفا در ۷ اکتبر از شکست هر سه نخست‌وزیر پیشین که در مدت زمانی طولانی‌تر اتفاق

افتاده، بزرگ‌تر است. با این حال شکست و سنت تاریخی رژیم «تک مشکل» نتانیاهو نیست. او در شرایطی خود را در مقابل این سنت می‌بیند که رژیم از اواخر سال ۲۰۱۸ به دنبال انحلال دولت، دچار بی‌ثباتی سیاسی شده و از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲، در مدت چهارسال، پنج انتخابات پارلمانی زود هنگام برگزار کرده است. ضلع دیگری که زندگی سیاسی نتانیاهو را با خطر مواجه می‌کند، اعتراضاتی است که به دنبال حضور «راستگرایان افراطی» در دولت ائتلافی جدید او به وجود آمده است. همین امر موجب شده طی تقریبا یک‌سال گذشته خیابان‌های رژیم به‌طور پیوسته شاهد حضور معترضان باشد. هرچند نتانیاهو که از سال ۲۰۰۹ تاکنون به جز وقفه‌ای کوتاه‌مدت در دولت «بنت-لاپید»، قدرت را در دست داشته، با مانورهای سیاسی از سال ۲۰۱۹ با دولت موقت و ائتلاف‌های کوتاه‌مدت، نخست‌وزیری خود را تداوم بخشیده و در اعتراضاتی که از نخستین روزهای سال ۲۰۲۳ علیه‌اش به وجود آمده، مقاومت کرده است. به نظر می‌رسد ضلع سوم برخلاف دو ضلع پیشین، اثری قاطع بر عمر سیاسی نتانیاهو خواهد داشت. نخست‌وزیر ۷۴ ساله رژیم، به دلیل کهنولت سن با بیماری روی نیز روبروست به‌گونه‌ای که اول مرداد سال جاری (۲۳ ژوئیه ۲۰۲۳) مورد عمل جراحی‌ای قرار گرفت که گفته می‌شود برای کاشت «ضربان‌ساز قلب» بوده است. همزمان او با پرورده‌های فسادى روبه‌روست که درصورت خروجش از قدرت می‌توانند زمینه‌ساز زندانی شدنش شوند؛ تقریبا مشابه سرنوشتی که گریبانگیر اولمرت شده و او را مدت‌ها پشت میله زندان نگاه داشت.

نتانیاهو اما می‌داند نباید زود تسلیم شود. شاید او در «جنگ قدرت» از مدتی به بعد برای لذت در قدرت بودن نجنبیده بلکه برای درد ناشی از سقوط و افتادن از جایگاه بلند، به این کار دست زده است؛ چه اینکه می‌داند برکنارشی‌اش از نخست‌وزیری می‌تواند خطر محتمل زندان را برایش نقد سازد. حالا در کنار فساد و کینه احزاب صهیونیست از سواری ۱۴ ساله او بر اسب قدرت، نخست‌وزیر رژیم با سنت پرکناری نخست‌وزیران شکست‌خورده صهیونیست روبه‌روست. هم‌اکنون برای صهیونیست‌های زخم‌خورده از ۷ اکتبر، دو قربانی برای انتقام قابل تصور است؛ «فلسطینیان و نتانیاهو». انتقام از فلسطینیان امروز اولویت است و تعداد شهدای غزه را به ۲۴۰۰ نفر رسانده ولی انتقام نتانیاهو، فعلا به آینده نزدیک موکول شده است. نتانیاهو برای ممانعت از فرارسیدن زمان انتقام از خود، نیازمند طولانی شدن جنگ است، نه حتی تکمیل انتقام از فلسطینیان. اما اوضاع درصورت بروز وضعیتی دیگر نیز برای او فاجعه‌بار است. اگر فلسطینیان بتوانند به‌طور موثری مقاومت کنند، نگاه صهیونیست‌ها در انتقام‌گیری تغییر خواهد کرد. اگر صهیونیست‌ها نتوانند به سرعت از فلسطینیان انتقام مدنظر را بگیرند، تیر انتقام به سمت نتانیاهو سرعت بیشتری خواهد گرفت و به اولویت تبدیل خواهد شد. امروز مسیرهای بیشتری برای نتانیاهو بسته شده و سرنوشت او درحال کانالیزه شدن به سمت بدترین سناریوهاست.

■ **اگر شکست بخورد؟**

تا به امروز رژیم صهیونیستی چهار جنگ با حماس انجام داده ولی هر تلاشی برای توقف حملات موشکی آن شکست خورده است. در سال ۲۰۱۴ رژیم صهیونیستی جدا از حملات هوایی به صورت زمینی به غزه حمله کرد. در آن حملات صهیونیست‌ها بیش از دو هزار و ۸۰۰ نقطه از غزه را هدف قرار داد و صدها غیرنظامی را به شهادت رساند اما برخلاف تصور پیشین، گردان‌های پیاده‌نظام تل‌آویو متحمل خسارات سنگینی از مین‌های ضدتانک، تک‌تیراندازها و کمین‌های مقاومت شدند. به صهیونیست‌ها هشدار داده شده است که ورود زمینی به غزه ممکن است ماه‌ها طول بکشد. برای این جنگ رژیم باید حداقل ۳۶۰ هزار نیروی ذخیره خود را به خدمت بگیرد. به نسبت سال ۲۰۱۴، ارتش رژیم صهیونیستی پیشرفت قابل‌توجهی نداشته است اما طرف مقابل از مسیرهای گوناگون تجهیزات قابل‌توجهی دریافت کرده است. این تسلیحات می‌تواند سرنوشت مدیریت میدان را رقم بزند و همین نگرانی بزرگ صهیونیست‌هاست. اگر ورود زمینی آنها به غزه با موجی از بهب‌های کناره‌ساز، راکت‌های ضدزره، کمین‌های برق‌آسا و همچنین پهبادهای انتحاری مواجه شوند جدا از تلفات سنگین عملا اقتدار موهومی ساخته‌شده پیشین را از دست خواهند داد. تبعات اصلی پس از این مرحله نمایان خواهد شد و آن وقت این مقاومت است که صحنه‌گردان میدان می‌شود. شکست رژیم در جنگ در حداقلی‌ترین حالت جدا از تقویت مقاومت در غزه، کرانه باختری و سرزمین‌های ۱۹۴۸ زمینه‌تنگ‌تر شدن حصار بیرونی علیه

رژیم صهیونیستی را فراهم خواهد کرد. همین نگرانی‌ها باعث شده تا صهیونیست‌ها به تبعات ورود به غزه که به شکلی ورود به جنگ تن‌به‌تن و خانه‌به‌خانه است کمی فکر کنند. شکست، ناقوس مرگ برای آنها خواهد بود.

■ **چه کسی چراغ اول را روشن می‌کند؟**

زمان هرچه جلوتر می‌رود تهدیدات مقامات محور مقاومت شدیدتر شده و توسط مقامات عالی‌رتبه‌تری اعلام می‌شود. شدت جنایات صهیونیست‌ها در غزه باعث شد تا وزیرخارجه چین اقدامات تل‌آویو را «فراطر» از «دفاع از خود» دانسته است. تداوم جنایت رژیم باعث شد تا روز گذشته (یکشنبه ۲۳ مهر/ ۱۵ اکتبر) سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور در گفت‌وگوی تلفنی با امانوئل مکرئون، رئیس‌جمهور فرانسه که در شرایط کنونی به‌عنوان واسطه‌ای میان ایران با آمریکا و رژیم عمل می‌کند هشدار دهد که اگر جنایات رژیم صهیونیستی از جمله کشتار مردم و محاصره غزه، متوقف نشود وضعیت «پیچیده» می‌شود و «صحنه توسعه می‌یابد». روز شنبه، حسین امیرعبداللهیان وزیرخارجه در بیروت یعنی نزدیک‌ترین پایتخت به سرزمین‌های اشغالی، گفت که «اعلام ساعت سفر» (جنگ تمام‌عیار) علیه تداوم جنایت جنگی در اختیار مقاومت است. او حتی تهدید کرد که اگر تجاوزات و کشتار زنان و کودکان به‌فوریت متوقف نشود دست همه طرف‌ها در منطقه روی «ماشه» است. در همان روز پایگاه آمریکایی «آکسیوس» به نقل از دو منبع آگاه دیپلماتیک نوشت که ایران در همان روز شنبه از طریق سازمان ملل پیامی به صهیونیست‌ها ارسال کرده و ضمن تاکید بر عدم علاقه به تشدید تنش‌ها شفاف ساخته درصورت ادامه عملیات در غزه «مداخله» خواهد کرد. روز گذشته وزیرخارجه موضع بسیار سخت‌تری نسبت به جنایات صهیونیست‌ها گرفت و علاوه‌بر رژیم صهیونیستی به آمریکا نیز هشدار داد و مشخص کرد که نخستین جبهه‌ای که قرار است به این جنایات پاسخ دهد کجاست. امیرعبداللهیان در قطر به الجزیره تلویحا خیر آکسیوس را تایید کرد و گفت که اگر رژیم از جنایاتش در غزه دست برندارد، «دیگر فردا دیدر خواهد بود.» او با اشاره به اینکه ایران نمی‌تواند صرفا «نظاره‌گر» این وضعیت باشد، به آمریکا هشدار داد که «اگر دامنه جنگ گسترش پیدا کند، خسارات سنگینی به آمریکا نیز وارد خواهد شد.» وزیر خارجه تلویحا مشخص کرد که اگر جنایات صهیونیست‌ها ادامه پیدا کند نخستین چراغ جنگ از کجا برافروخته خواهد شد. او گفت که «حزب‌الله خطوط قرمز را تعیین کرده و در هر مرحله‌ای، اقدامات مناسب را انجام خواهد داد.»

هشدارهای پی‌درپی محور مقاومت توسط رئیس‌جمهور و وزیرخارجه که مواضع‌شان توسط طرف‌های بین‌المللی به‌عنوان موضع رسمی تلقی می‌شود، به این دلیل اتخاذ شده تا آمریکا و صهیونیست‌ها دچار اشتباه محاسباتی نشده و تهدیدات دیگر مقامات محور مقاومت را صرفا «رجزخوانی معمول شرایط تنش» تلقی کنند. این تهدیدات ابرازشده توسط عالی‌ترین مقامات محور مقاومت نشان می‌دهد صهیونیست‌ها درصورت «تداوم جنایت و محاصره غزه» یا «ورود زمینی به غزه» قلعبا با واکنش مواجه می‌شوند.

واقعیت این است که رژیم صهیونیستی از هر سو توسط گروه‌های مقاومت محاصره شده است. تمام این گروه‌ها به‌طور هماهنگ و در سطوح مختلف بر آمادگی‌شان برای ورود به جنگ تاکید دارند اما از میان آنها تنها لبنان و سوریه هم‌رز فلسطین اشغالی بوده و قادر به تهاجم زمینی علیه صهیونیست‌هاست. این تهدید زمینی به‌طور کلی به جبهه شمال و شمال شرق مرتبط است. نیروهای مقاومت لبنان منطقه الجلیل را تهدید می‌کنند و شاخه سوری این گروه نیز بلندی‌های جولان را در معرض خطر قرار می‌دهند.

برخلاف حمله ناگهانی حماس در مقطع کنونی جنگ بسیاری از مسائل قابل‌تشخیصند و تلاشی نیز برای پنهان ساختن آنها صورت نمی‌گیرد. نیروهای مقاومت لبنان از هفته گذشته وارد درگیری‌ها شده و دست‌کم چهار شهید داده‌اند. آنها در تبادل آتش با صهیونیست‌ها تنها در روز گذشته ضمن حمله به پنج موضع صهیونیست‌ها را با سلاح‌های مختلف از جمله موشک‌های هدایت‌شونده مورد هدف قرار دادند. در این حملات دو تانک مرکاوا و یک نفربر مورد اصابت موشک‌های ضدزره قرار گرفتند. جبهه سوریه نیز با پرتاب راکت در مقیاسی کوچک‌تر از لبنان در درگیری‌ها مشارکت داشته است. به نظر می‌رسد دو جبهه لبنان و احتمالا سوریه درصورت تشدید تنش‌ها توسط رژیم علیه صهیونیست‌ها وارد جنگ شده و اگر آمریکا تحرکی از خود نشان دهد آنگاه جبهه‌های ایران، عراق و یمن فعال خواهند شد. تفاوت تمام این جبهه‌ها از نوار شمالی غرب آسیا تا جنوبی با نوار غزه در جهات مختلفی تفاوت‌های عمیقی دارند؛ این جبهه به جای ۳۶۰ کیلومتر مربع بیش از دو میلیون کیلومتر مربع وسعت دارد، جمعیتش از ۱۰۰ میلیون نفر فراتر رفته و به دریایی از ذخایر تسلیحاتی دسترسی دارد.

